

فرهنگ‌نامه واژگان و نظریه‌های مهاجرت درون شهری

تألیف:

دکتر مسعود صفائی پور

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

فرهنگنامه واژگان و نظریه های مهاجرت درون شهری.

گردآوری: دکتر مسعود صفائی پور.

اعضای شورای کمیسیون تخصصی علوم انسانی، اجتماعی و هنر: دکتر حسین شکوهی، دکتر پروانه شفیعی نیا، دکتر مسعود نسیک
 یخت، دکتر مینا شمخی، دکتر عبدالحسین رضایی راد، دکتر علی حسین حسین زاده، دکتر علی
 موجد، دکتریداله مهرعلیزاده، دکتر زاهد بیگدلی، دکتر نمراله امامی، دکتر بهمن حاجی پور.

ویراستار علمی: دکتر ناهید سجادیان.

ویراستار ادبی: دکتر قدرت قاسمی پور.

ناشر: دانشگاه شهید چمران اهواز.

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی چاپ و صحافی: اداره چاپ و انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.

سرشناسه	صفائی پور، مسعود، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدید آور	فرهنگنامه واژگان و نظریه های مهاجرت درون شهری / گردآوری مسعود صفائی پور.
مشخصات نشر	اهواز: دانشگاه شهید چمران، ۱۳۹۰.
مشخصات فاهری	ص. ۱۴۲: ص. (مصور) (بخشی رنگی).
فروست	انتشارات دانشگاه شهید چمران: ۵۱۹.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۴۳-۳۵۰۲
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
یادداشت	A dictionary of intra urban migration : (theories and terms) Masood Safaei Pour.
موضوع	مهاجرت داخلی - جنبه های اجتماعی
موضوع	جامعه شناسی شهری
موضوع	شهرها و شهرستان ها - توسعه
شناسه افزوده	دانشگاه شهید چمران اهواز.
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ۷۴۳ ص ۱۵۱/ HT
رده بندی دیویی	۳۰۷/۷۶
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۲۵۲۷۵

محل های فروش کتاب

اهواز: گلستان - شهر دانشگاهی - کتابفروشی دانشگاه شهید چمران اهواز.

تلفاکس: ۰۶۱۱-۳۳۳۱۰۷۲

تهران: خ. کارگر شمالی، خ. نصرت، خ. دکتر قریب نرسیده به خ. فرصت، پلاک ۱۱ - مؤسسه کتابپروان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۶۵۱۰-۱۵

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

پیش‌گفتار

از جمله مسائلی که با توجه به روند رو به رشد شهرنشینی در کشور می‌باید مورد توجه قرار گیرد، شناخت و درک بیشتر از سازوکار مهاجرت است.

تأثیر مهاجرت‌ها در شهرها و روستاها، باعث تغییرات اجتماعی- فضایی شده است. این مهاجرت‌ها عمدتاً جهت دستیابی به فضای زیستی مناسب، به تبع آن تغییر در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین در شهر و روستاها گردیده و جغرافیای اجتماعی شهرها و روستاها را دست‌خوش دگرگونی کرده است.

امروزه مهاجرت به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های زندگی بشر منجر به تغییرات جمعیتی در مبدأ و مقصد می‌گردد؛ همچنین باعث تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کالبدی می‌گردد. البته این تغییرات در هر دو مکان اتفاق می‌افتد و وظیفه‌ی جغرافی‌دانان بررسی این تغییرات در همه‌ی ابعاد می‌باشد. بر همین اساس در این نوشتار که شامل دو بخش می‌باشد، سعی در شناخت بیشتر نسبت به این پدیده به‌خصوص در بعد محیط شهری است. بخش اول شامل بخشی از مفاهیم قدیم و جدید مهاجرتی در شهرها می‌باشد که با انتقال جمعیت از یک مکان به مکان دیگر معمولاً مطرح می‌شوند که سعی شده با کمک منابع مختلف در حد مقدمات، تعریف و یا توضیح مختصری از این مفاهیم ارائه گردد. بخش دوم، شامل مبانی نظری که از طریق مطالعه پدیده‌های مهاجرت و شهری به‌خصوص مهاجرت‌های درون شهری شکل پیدا کرده‌اند و ضرورت دارد نظریات اجتماعی و اقتصادی در این خصوص بیشتر بررسی شوند.

این مجموعه گامی اولیه در راه شناخت مسائل شهری با محوریت موضوع مهاجرت است. نقد و بررسی مطالب این کتاب می‌تواند باعث پربارتر شدن این موضوع در محافل علمی باشد.

در خاتمه لازم می‌دانم از کلیه بزرگوران که در تهیه این کتاب همکاری نموده‌اند،
به‌خصوص خانم دکتر ژילה سجادی، تشکر و قدردانی نمایم.

مسعود صفائی پور

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

بهار ۱۳۹۰

www.ketab.ir

فهرست مطالب

ج	پیش‌گفتار مؤلف
هـ	فهرست مطالب
ی	مقدمه کتاب

بخش اول

مفاهیم و اصطلاحات

۲	۱- مقدمه
۲	۱-۱- بوم‌شناسی انسانی
۳	۱-۲- بوم‌شناسی شهری
۴	۱-۳- بخش مرکزی تجارت
۵	۱-۴- برنامه‌ریزی شهری
۵	۱-۵- بهبود
۶	۱-۶- پایداری
۷	۱-۷- پایداری اجتماع شهری
۷	۱-۸- تأثیرات همسایگی
۷	۱-۹- تجمع‌سازی
۷	۱-۱۰- تحرک
۸	۱-۱۱- تحلیل ناحیه‌ی اجتماعی
۹	۱-۱۲- تطبیق‌پذیری رفتاری
۹	۱-۱۳- تعامل اجتماعی - فضایی

۱- ۱۴- تغییر محل.....	۹
۱- ۱۵- تغییرات جابه‌جایی.....	۱۰
۱- ۱۶- تمایزات سکونت‌گاهی.....	۱۰
۱- ۱۷- توصیف درون‌نگری و ذهنی از یک مکان.....	۱۰
۱- ۱۸- جدا سازی مثبت.....	۱۰
۱- ۱۹- جدایی‌گزینی.....	۱۱
۱- ۲۰- حاشیه‌نشینی شهری.....	۱۲
۱- ۲۱- حکمرانان شهری.....	۱۳
۱- ۲۲- حوزه‌های اجتماعی شهری.....	۱۳
۱- ۲۳- خرده فرهنگ.....	۱۳
۱- ۲۴- رتبه‌ی اجتماعی.....	۱۴
۱- ۲۵- رفتارگرایی.....	۱۴
۱- ۲۶- شاخص‌های اجتماعی سرزمینی.....	۱۶
۱- ۲۷- شهر.....	۱۷
۱- ۲۸- شهر حاشیه.....	۱۷
۱- ۲۹- شهرگرایی.....	۱۹
۱- ۳۰- شهرنشینی.....	۱۹
۱- ۳۱- شهرنشینی مفرط.....	۲۱
۱- ۳۲- طبقه.....	۲۱
۱- ۳۳- طبقه اجتماعی بر حسب وضعیت مسکن.....	۲۳
۱- ۳۴- عدالت مکانی.....	۲۴
۱- ۳۵- عوامل رانش (دفع).....	۲۴
۱- ۳۶- عوامل کشش (جذب).....	۲۴

۲۵	۱- ۳۷- فاصله‌ی اجتماعی.....
۲۵	۱- ۳۸- فاصله‌ی ذهنی و شناختی.....
۲۵	۱- ۳۹- فضا.....
۲۷	۱- ۴۰- فضاهای جایگزین (مکان‌های دیگر).....
۲۸	۱- ۴۱- فضای جست‌جو.....
۲۹	۱- ۴۲- فضای جغرافیایی.....
۲۹	۱- ۴۳- فضای ذهنی و شناختی.....
۲۹	۱- ۴۴- فضای عمل.....
۳۰	۱- ۴۵- فضای فعالیت.....
۳۰	۱- ۴۶- فضای نامتجانس.....
۳۱	۱- ۴۷- فضای هوشیاری.....
۳۱	۱- ۴۸- قابلیت زندگی شهری.....
۳۱	۱- ۴۹- قطبی شدن.....
۳۲	۱- ۵۰- قومیت.....
۳۳	۱- ۵۱- قیمت اجاره‌بها.....
۳۳	۱- ۵۲- کاربری زمین.....
۳۴	۱- ۵۳- گروه اقلیت.....
۳۴	۱- ۵۴- مهاجرت بوم‌شناختی.....
۳۴	۱- ۵۵- مدیران شهری.....
۳۵	۱- ۵۶- مرتبه اجتماعی.....
۳۵	۱- ۵۷- منحنی میزان اجاره‌بها.....
۳۶	۱- ۵۸- مکان.....
۳۷	۱- ۵۹- مکان مرکزی.....
۳۸	۱- ۶۰- مناطق اجتماعی شدن.....

۶۱-۱- منطقه‌ی آرمانی.....	۳۸
۶۲-۱- منطقه‌ی طبیعی.....	۳۸
۶۳-۱- منطقه‌ی گذار.....	۳۸
۶۴-۱- مهاجرت.....	۳۹
۱-۶۴-۱- انواع مهاجرت.....	۴۱
۲-۶۴-۱- طبقه‌بندی انواع مهاجرت.....	۴۲
۳-۶۴-۱- طبقه‌بندی مهاجرت ویلیام پترسون.....	۴۴
۴-۶۴-۱- انگیزه‌ی مهاجرت.....	۴۶
۵-۶۴-۱- حرکات مهاجرنی.....	۴۹
۱-۵-۶۴-۱- مهاجرت فردی در مقابل مهاجرت خانوادگی.....	۴۹
۲-۵-۶۴-۱- مهاجرت زنجیره‌ای.....	۴۹
۳-۵-۶۴-۱- مهاجرت مرحله‌ای (بلکانی).....	۴۹
۶-۶۴-۱- پیامدهای مهاجرت.....	۵۰
۶۵-۱- مهاجرت‌های درون‌شهری.....	۵۲
۶۶-۱- نگرش فن محور.....	۵۳
۶۷-۱- نیروهای جاذبه.....	۵۳
۶۸-۱- نیروهای گریز از مرکز.....	۵۳

بخش دوم

نظریه‌ها

۱-۲- نظریه‌های مهاجرت.....	۵۶
۲-۲- نظریه‌ی محرومیت نسبی.....	۵۶
۳-۲- نظریه‌ی وابستگی در مورد مهاجرت.....	۵۷
۴-۲- نظریه‌ی سیستمی در ارتباط با مهاجرت.....	۵۸

۵۹	۲-۴-۱ - خرده سیستم اجتماعی شدن
۵۹	۲-۴-۲ - خرده سیستم نهادی
۵۹	۲-۴-۳ - خرده سیستم مصرفی
۵۹	۲-۴-۴ - متغیرهای تنظیمی
۶۰	۲-۵ - مدل رفتاری
۶۱	۲-۶ - نظریه‌ی شبکه‌ای
۶۲	۲-۷ - نظریه‌ی روانیشتین
۶۴	۲-۸ - نظریه‌ی مهاجرت لی
۶۶	۲-۹ - مدل مهاجرت مایکل تودارو
۶۹	۲-۱۰ - مدل مهاجرتی هاریس - تودارو
۷۰	۲-۱۱ - مدل جاذبه
۷۴	۲-۱۲ - مهاجرت درون‌شهری
۷۵	۲-۱۳ - حرکات مهاجرتی درون‌شهری
۷۶	۲-۱۴ - نظریه‌ی فرآیند پالایش
۷۹	۲-۱۵ - نظریه‌ی پرانیدن
۸۰	۲-۱۶ - مدل ابولغد
۸۱	۲-۱۷ - مدل کلارک و اونکا
۸۳	۲-۱۷ - مدل رابسون
۸۸	۲-۱۸ - دیدگاه بوم‌شناختی شهری
۹۱	۲-۱۸-۱ - جدائی‌گزینی بوم‌شناختی
۹۳	۲-۱۸-۲ - هجوم و جایگزینی بوم‌شناختی
۹۴	۲-۱۸-۱-۲ - عوامل مؤثر در جایگزینی بوم‌شناختی
۹۵	۲-۱۸-۲-۲ - توالی (هجوم و توالی)
۹۵	۲-۱۸-۲-۳ - مراحل هجوم و توالی بوم‌شناختی

۹۶	۲- ۱۸- ۲- ۴- منزلت اجتماعی و انتخاب محله مسکونی.....
۹۸	۲- ۱۸- ۲- ۵- جبر محیط شهری در انتخاب منطقه‌ی مسکونی.....
۹۹	۲- ۱۸- ۲- ۶- توسعه‌ی شهر و جابه‌جایی طبقات شهری.....
۱۰۳	۲- ۱۹- دیدگاه‌های بوم‌شناسی آسیب‌های شهری.....
۱۰۵	۲- ۲۰- الگوی ساختار شهری جهان سوم.....
۱۰۷	۲- ۲۱- مکتب شیکاگو.....
۱۰۸	۲- ۲۲- نظریه‌ی مناطق متحدالمرکز.....
۱۱۲	۲- ۲۴- نظریه‌ی قطاعی.....
۱۱۴	۲- ۲۴- مکتب لس‌آنجلس (کالیفرنیا).....
۱۱۷	۲- ۲۵- نظریه‌ی نقش اقتصادی زمین.....
۱۱۹	۲- ۲۶- نظریه‌ی نقش اجتماعی زمین.....
۱۲۰	۲- ۲۷- نظریه‌ی سلامت روان.....
۱۲۱	۲- ۲۸- دیدگاه فرهنگ‌گرایی.....
۱۲۵	۲- ۲۹- دیدگاه مثبت‌گرایان نو.....
۱۲۵	۲- ۳۰- نظریه‌ی نظام شهری جهانی.....
۱۲۸	۲- ۳۱- دیدگاه کارکردگرایی در کاربری اراضی.....
۱۳۱	۲- ۳۲- دیدگاه سامان‌دهی زمین در کاربری اراضی.....
۱۳۲	۲- ۳۳- نظریه‌ی طبیعت‌گرایی شهرها.....
۱۳۵	منابع.....

مقدمه

مطالعه‌ی سطح و روند شهرنشینی بیان‌گر این واقعیت است که رشد جمعیت شهری دنیا به سرعت در حال افزایش است. آمار نشان می‌دهد که در شروع قرن ۱۹ حدود ۳ درصد از جمعیت دنیا در نواحی شهری زندگی می‌کردند؛ این رقم در سال ۱۹۰۰ به حدود ۱۵ درصد رسید و امروزه به حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ حدود ۶۱٫۱ درصد از جمعیت دنیا شهرنشین شوند (نظریان، ۱۳۷۹: ۳۶۴). پیش‌بینی‌های سازمان ملل نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهری جهان به مرز ۷۰ درصد برسد.

در سال ۱۹۵۰، نیویورک با جمعیتی بالای ۱۰ میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین شهر دنیا بود. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۵، ۲۳ شهر با جمعیتی بالای ۱۰ میلیون نفر در دنیا وجود داشته باشد. در سال ۲۰۰۰، ۲۲ شهر با جمعیتی بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر، ۴۰۲ شهر با جمعیتی بین ۱ تا ۵ میلیون نفر و ۴۳۳ شهر با جمعیتی معادل ۰٫۵ تا ۱ میلیون نفر وجود داشته است (unhabitat.org, 2006).

در اولین آمارگیری نفوس و مسکن که توسط حکام ایالات ایران در سال ۱۲۵۲ شمسی انجام شد، جمعیت ایران را حدود ۱۱٫۵ میلیون نفر برآورد کردند که حدود ۱۳ درصد آن شهرنشین بودند. در سال ۱۳۰۰ جمعیت شهرنشین ایران به حدود ۲۸ درصد و در سال ۱۳۳۰ به حدود ۳۰٫۴ درصد از کل جمعیت رسید. جمعیت شهری ایران نیز در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۸۰، ۱۳۸۵ به ترتیب به ۳۱٫۴، ۳۸، ۴۷، ۵۴٫۲۹، ۶۰ و ۶۸٫۴ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ میلادی جمعیت شهرنشین کشور به مرز ۸۰ درصد (مرکز آمار ایران) و طبق پیش‌بینی سازمان ملل، جمعیت شهرنشین ایران با کمی تفاوت نسبت به کشورهای توسعه یافته، تا سال ۲۰۵۰، به ۸۴ درصد برسد.

پی آمد این روند همانند سایر نقاط جهان، شکل گرفتن شهرهای بزرگی با جمعیت حدود یک میلیون نفر و بیشتر در ایران بود. این شهرها براساس نتایج مقدماتی در سال ۱۳۸۵، شامل تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز است (نتایج مقدماتی سرشماری کشور، ۱۳۸۶: CD). البته این تعداد تا قبل از سال ۱۳۶۵ فقط به شهر تهران محدود می شد و در سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ شهرهای با یک میلیون نفر جمعیت و بیشتر به ۴، ۵، ۶ شهر افزایش یافت.

روند افزایش جمعیت شهرنشین در ایران به خصوص بعد از سال ۱۳۴۰ تحت تأثیر چهار عامل اصلی بود: مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، توسعه‌ی شهرها، رشد سریع جمعیت و تبدیل بسیاری از نقاط روستایی به شهر و ادغام حومه‌ها و روستاها در شهرها.

قطبی شدن و تمرکزگرایی جمعیت شهری و رشد سریع و کنترل نشده‌ی این تمرکزگرایی، تبعات اجتماعی، اقتصادی، فضایی، کالبدی خاصی را به همراه داشته که از آن جمله می توان کمبود زیرساخت‌ها، خدمات اساسی، مسکن، ازدحام و تراکم، مسائل زیست محیطی، کمبود فضای زیستی مناسب، آسیب‌های اجتماعی و نارسایی تجهیزات شهری از قبیل درمانگاه بیمارستان، مدارس، کتابخانه، محل‌های گذران اوقات فراغت، فضای سبز و ... را ذکر نمود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بخش عمده‌ای از این فابیه سامانی‌ها ناشی از حرکت جمعیت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است؛ بدین سان پدیده‌ی مهاجرت روستا به شهر و علل و پیامدهای آن بررسی شد، افزایش تعداد کلان شهرها در جهان و ایران، تعداد جمعیت و توسعه‌ی فیزیکی آن‌ها، به دلیل اختلافات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، فضایی، کالبدی درون شهرها منجر به شکل گیری نوع دیگری از مهاجرت‌ها تحت عنوان مهاجرت‌های درون شهری شد که مهاجرت بین مناطق و مدل‌های مختلف حرکات جمعیتی و ساختار شهری را به وجود آورد.

از جمله مسائلی که باتوجه به روند رو به افزایش شهرنشینی کشور، در سامان دهی و تحقق پایداری توسعه‌ی اجتماعی شهرهای بزرگ کشور باید مورد توجه جدی قرار گیرد، شناخت و درک سازوکار مهاجرت‌های درون شهری است. در

مطالعات شهرهای بزرگ کشور، نقش پیامدهای اجتماعی - فضایی (Socio-spatial) ناشی از این نوع جابه‌جایی‌ها، مورد توجه چندانی واقع نشده است.

مهاجرت‌های درون‌شهری (Intra-Urban Move/Migration/Mobility) به تغییر محل سکونت خانوار در درون محدوده‌ی قانونی شهر اشاره دارد. این جابه‌جایی‌ها که به منظور تغییر محل سکونت صورت می‌گیرد، پاره‌ای از مناطق شهرها را بیش از مهاجرت‌های روستا-شهری، دست‌خوش تغییرات اجتماعی-فضایی کرده است. این مهاجرت‌ها که عمدتاً به دنبال تمایل ساکنین شهر به یافتن فضای مناسب زیستی به تبع تغییر در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها صورت می‌گیرد، جغرافیای اجتماعی شهرها را دست‌خوش دگرگونی کرده و جدایی‌گزینی اجتماعی و فرهنگی حتی در سطح منطقه‌ی شهری شده است و به تبع آن انگیزه‌های تغییر محل سکونت را افزایش داده است. ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی ناشی از این جابه‌جایی‌ها در پاره‌ای از مناطق شهری نه تنها منجر به کاهش حس همسایگی و تبعات اجتماعی آن شده، بلکه عدم شناخت از سلیقه‌ی ساکنین جدید سبب آشفتگی کاربری‌ها، (افزایش ارائه کاربری‌های غیرضروری، کاهش کاربری‌های ضروری و در نتیجه مشکلات دسترسی به خدمات) بی‌قوازی کالبدی-فضایی (ساخت و سازهای بی‌رویه و ناموزون با نماهای متفاوت و قرار گرفتن خانه‌های ویلایی در کنار خانه‌های چندین طبقه) در پاره‌ای از نقاط شهری گردیده است.

علی‌رغم اهمیت مقوله‌ی مهاجرت‌های درون‌شهری در برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار شهری (خصوصاً در ارتباط با جغرافیای اجتماعی شهرها) و ضرورت اجرای تحقیقاتی برای درک سازوکار و قانونمندی‌های حاکم بر آن، تاکنون آن طوری که باید، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به اهمیت آن پی برده نشده است (سجادی، ۱۳۸۷). در کشور ما نیز در راستای این مهم، تحقیقاتی صورت نگرفته و اهم تحقیقات پیرامون مهاجرت‌ها به مهاجرت‌های روستا-شهری اختصاص داشته است؛ به عبارت دیگر هنوز جابه‌جایی‌های درون‌شهری به عنوان یک «مسئله‌ی شهری» مورد توجه قرار نگرفته و از این رو به استثنای پایان‌نامه‌ی حمید دستگردی که تحت عنوان بررسی علل و پیامدهای مکانی-فضایی جابه‌جایی جمعیت تهران پارس در محدوده‌ی منطقه

۸- تهران که به راهنمایی دکتر ژیلا سجادی انجام گرفته و همچنین مقاله‌ی این استاد در همین زمینه، چاپ شده در مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی دانشگاه تهران و پایان نامه دوره دکتری اینجانب مسعود صفائی پور با عنوان *علل و پیامدهای اجتماعی - فضایی مهاجرت درون‌شهری اهواز* و مقاله‌ای تحت همین عنوان در سال ۱۳۸۷ در مجله‌ی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده و کاری عمده که جنبه، تحقیقی داشته باشد در ایران صورت نگرفته است. قابل ذکر است که کتابی تحت عنوان *دینامیک شهری یا پویایی شهری ترجمه‌ی دکتر اصغر نظریان*، انتشارات آستان قدس رضوی مشهد و مقاله‌ای تحت عنوان *تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها دکتر زهره دانشپور* در فصلنامه‌ی *صفه دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی* به چاپ رسیده که به لحاظ نظری در زمره‌ی مطالعات انجام شده در این زمینه در داخل کشور به شمار می‌آید. از این‌رو در تحقیقات داخلی، پژوهشی که از طریق بررسی علل و پیامدهای جابه‌جایی‌های درون‌شهری، سعی در شناخت متغیرهای مؤثر در این جابه‌جایی‌ها را داشته باشد، وجود ندارد و می‌توان گفت که کتاب حاضر، برای اولین بار با چنین نگرشی در چارچوب مفاهیم و نظریه‌ها انجام گرفته است؛ در حالی که کشورهای توسعه یافته به علت اهمیت رابطه‌ی دوسویه بین جابه‌جایی‌های درون‌شهری و تغییرات و شکل‌گیری جغرافیای اجتماعی شهرها، تلاش‌هایی در راستای شناخت عواملی که منجر به این گونه حرکات مهاجرتی می‌شوند، انجام شده است.

برای درک این فرآیند، مدل‌هایی نیز ارائه شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مدل رابسون (Robson: ۱۹۷۵) و ابولغد (Abu-lughod: ۱۹۶۰) اشاره کرد. رابسون در مدل خود عواملی را نشان می‌دهد که منجر به برانگیختن خانوارها در تغییر محل سکونت در شهر می‌گردند. به نظر او انگیزه‌ی خانوارها در تصمیم‌گیری و جست‌جو برای تغییر محل سکونت، آرزوها و انتظارات آن‌هاست که خود نیز تابع وضعیت خانوادگی، درآمد، شیوه‌ی زندگی، همسایگی و وضعیت مسکن این خانواده‌هاست (Robson: ۱۹۷۵، ۳).

ابولغد در مدلی که تحت عنوان مدل چرخه‌ی زندگی (Life cycle Model) ارائه

داده، تعدد در تغییر محل سکونت افراد در شهر و اولویت‌های مکانی در انتخاب محل سکونت جدید را تابع مراحل مختلف زندگی آن‌ها و اهمیت دسترسی به امکانات و تسهیلات فضای مناسب در هر کدام از این مراحل می‌داند. به عبارت دیگر نیازهای مختلف افراد طی دوره‌های مختلف زندگی، عامل جابه‌جایی آن‌ها در بین نقاط مختلف شهر (حلقه‌ی مرکزی، میانی و بیرونی) می‌شود؛ بنابراین براساس مراحل که یک خانوار در طول زندگانی خود طی می‌نماید، در هر مرحله، ویژگی محل سکونت و منزل مسکونی تابع تغییراتی می‌گردد (Abu-lughod : ۳، ۱۹۶۰).

از جمله افرادی که در راستای پی بردن به متغیرهای مؤثر در جابه‌جایی‌های درون‌شهری تحقیقاتی را انجام داده‌اند، می‌توان از مازلو (Maslow) (۱۹۷۰)، کادولادر (Cadwallader) (۱۹۸۱)، راسی (Rossi) (۱۹۸۰)، فوربس (Forbes)، رابرتسون (Robertson) (۱۹۸۷) و دارلو (Dureloo) (۱۹۹۰) نام برد (سجادی، ۱۳۸۷).

به اعتقاد مازلو، انسان پس از دست یافتن به نیازهای اولیه (غذا، پوشاک و مسکن)، به دنبال دست‌یابی به ارزش‌ها و معیارهای عالی‌تری چون کسب منزلت و پایگاه اجتماعی است و به همین دلیل شیوه‌ی زندگی و به تبع آن، محل سکونت خود را در شهر تغییر می‌دهد.

فوربس، رابرتسون و دارلو در تحقیقات خود پیرامون جابه‌جایی‌های درون‌شهری، به دو یافته‌ی مهم که نشان‌گر اهمیت ابعاد مکانی- فضایی این جابه‌جایی است، پی برده‌اند. آن‌ها در بررسی‌های خود به قابل توجه بودن حجم این جابه‌جایی‌ها در مسافت‌های کوتاه (short Distance move) و جهت دار بودن آگاهانه (Bias Directional) این حرکات پی برده، برای بیان جایگاه بُعد مسافت بر نقش متغیرهای مؤثری چون وسعت شهر، وضعیت مالکیت قبلی، قومیت و درآمد تأکید دارد. از این رو خانوارهایی که از درآمد بالا و مالکیت شخصی برخوردارند، در مسافت بیشتری جابه‌جا می‌شوند، در حالی که خانوارهای اجاره‌نشین عکس این وضعیت را دارند (سجادی، ۱۳۸۷).

بنابر یافته‌های آن‌ها آنچه در تعیین جهات جابه‌جایی‌ها درون‌شهر (از مرکز شهر به سمت حومه شهر و برعکس) مؤثر است، وضعیت اقتصادی- اجتماعی مبدأ و مقصد

جابه‌جایی است؛ بدین معنی که شناخت ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی مقصد، عامل مؤثری در جاذبه‌ی آن در جابه‌جایی‌های درون‌شهری است. به همین دلیل در بخش داخلی شهر جابه‌جایی‌ها در نتیجه‌ی هجوم افراد کم درآمد زیاد است و به عکس در بخش بیرونی با افزایش جابه‌جایی خانوارهای با درآمد بالا روبرو است؛ در حالی که در بخش میانی که از منظر اقتصادی، اجتماعی، وضعیت بینابینی دارند جابه‌جایی چندانی صورت نمی‌گیرد و در صورت جابه‌جایی، مسافت‌های دور دست در حومه و شهرک‌های اقماری پیرامون شهر به عنوان مقصد جابه‌جایی انتخاب شده‌اند.

مارتین کادولادر (Cadwallader.Martin) از جمله دیگر محققینی است که در خصوص جابه‌جایی‌های درون‌شهری به نقش متغیرهای مؤثری چون مالکیت، مساحت و همسایگی در این نوع جابه‌جایی‌ها پی برده و در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که ثبات در مالکیت به خصوص مالکیت منازل مستقل و همسایگی، عامل کمترین جابه‌جایی‌ها بوده است. در این راستا راسی نیز به یافته‌های مشابه کادولادر به ویژه در ارتباط با رابطه بین مساحت و فضای محل سکونت (کوچک یا بزرگ بودن واحد مسکونی) با حجم جابه‌جایی‌های درون‌شهری، دست یافته است (Cadwallader, 1990:4).

شایان ذکر است که در میان جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان، جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان شهری که در رابطه با جابه‌جایی‌های درون‌شهری تحقیقاتی انجام داده‌اند، جغرافی‌دانان با تکیه بر نگرش علمی خود نه تنها در پی یافتن پاسخ به این سؤال می‌باشند که تا چه حد در این جابه‌جایی‌ها فرایند انتخاب مسکن قانونمند است، بلکه به دنبال آن‌اند که عمل کرد خانوارها از نظر مکانی- فضایی برای انتخاب مسکن جدید تا چه حد آگاهانه و بر مبنای شناخت است. به همین دلیل در خصوص رفتار خانوار در این نوع جابه‌جایی‌ها توجه خود را به دو جنبه معطوف داشته‌اند:

۱- تصمیم به جابه‌جایی (تصمیم به جست‌جو برای مسکن جدید).

۲- جست‌جو برای انتخاب مسکن جدید.

بنابراین نه تنها پی بردن به علل و انگیزه‌هایی که منجر به تصمیم تغییر محل سکونت می‌شود، مهم است، بلکه فرایند انتخاب مسکن جدید برای پی بردن به میزان

آگاهی خانوارها از محل سکونت جدید به دلیل تأثیر آن در جغرافیای اجتماعی و ساختار فضایی شهر نیز بسیار حائز توجه است.

در این راستا برای شناخت بهتر این پدیده نیاز است مفاهیم و اصطلاحاتی بررسی شود که در ارتباط با بیان مسائل و مشکلات شهری است و به شناخت بهتر و یکپارچه‌ی موضوع کمک می‌کند و در بخش اول این کتاب به صورت مستقیم و غیرمستقیم بدان‌ها اشاره شده است. در این بخش و بخش دوم مفهوم مهاجرت و شناخت بهتر آن در قالب نظرات و دیدگاه‌ها، مدل‌ها و مکانی بررسی می‌شود که در ابعاد فضایی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شکل‌پذیری و حرکت‌های جمعیتی در درون و برون شهرها و در شکل‌گیری و توسعه شهری مؤثر بوده‌اند. همچنین مدل‌هایی که منجر به مهاجرت‌های درون شهری می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است.

www.ketab.ir